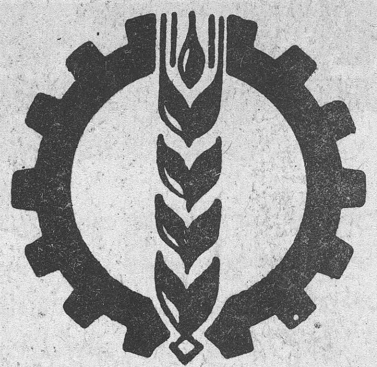


حقیقت انقلاب ثور

ارگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

۵ شنبه ۴ جدی ۱۳۵۹
DEC. 25, 1980
شماره ۹۰
سال تاسیس ۱۳۵۹

وحدت خلل ناپذیر نیروهای ملی و وطنپرست افغانستان

انقلاب پر افتخار ثور تحولات عمیق وبرگشت ناپذیری را در زندگی مردم افغانستان بوجود اورد . میهن محبوب ما قاطعانه وانحراف ناپذیر راه پیشرفت ، راه شگوفائی ، راه زندگی نوین وسعادتمند رادرپیش گرفت .

انقلاب ثورتحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان به اراده وحمایت خلق افغانستان به پیروزی رسید . این انقلاب نتیجه طبیعی مبارزات طولانی توده های زحمتکش وهمه وطنپرستان کشورمابخاطرازادی واقعی ازتحت ستم استثمارگران ، جابران وعقب ماندگی مدحش بحساب میرود .

درمدت کوتاه بعد از هفت ثور ومخصوصاً در مدت یکسال بعد از ٦ جدی خلق ما به موفقیت های چشمگیری درجهات عمده تحولات ملی ودموکراتیک ، درجبهات مبارزه علیه دشمنان وطن وانقلاب ، نیروهای سیاه ، ارتجاع وامپریالیزم نایل امد . این موفقیت ها امکان داد تافضای عمومی در کشور ارام وبا ثبات گردد . اولین قدم ها درجهت بهترساختن شرایط زندگی طبقهٔ کارگر وسایر اقشار زحمتکشان گذاشته شود وهمچنین تدابیری برای استحکام سیستم تهیهٔ مواد خوراکه ، کالاهای مورد ضرورت اولی ومحروقات اتخاذ گردد .

دولت انقلابی ماکه بر اتحاد طبقهٔ کارگر ودهقان اتکاء دارد وبیانگر منافع همه زحمتکشان وهمه وطنپرستان افغانستان است بمنظورتامین انکشاف اینده حیات مادی ومعنوی کشورمساعی فراوانی درجهت پیاده نمودن پروگرام های وسیع اقتصادی ، اجتماعی وکلتوری بخرچ میدهد و کوشش مینماید تا شرایط کار وزندگی هرفامیل وتمام خلق نجیب وزحمتکش مارا در مجموع بهبود بخشد .

ایجاد فضای قانونیت واحترام به حقوق وازادی های افرادبراساس مراعات قوانین عادلانه دولت ما اهمیت بخصوصی دارد .

اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان مورخ ۲۵ حمل ۱۳۵۹ ومتکی بران سایر فرامین شورای انقلابی بصورت تدریجی وپیگیرتمام جوانب زندگی دولت وجامعهٔ مارا دموکراتیزه میسازد . این قوانین حفظ شرف ناموس وتامین حقوق هرد ختروپسرخلق مارا احیاٌ وضمانت مینماید .

برقراری روابط جدید برادری ، احترام ، اعتماد وهمکاری متقابل میان همه نیروهای ملی و وطنپرست افغانستان نتیجه کاروفعالیت مشترک وشریفانهٔ انها بخاطر ابادی میهن محبوب ما است . وطنپرستان افغانستان درساحهٔ عمل به صحت وحقانیت سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان وحکومت انقلابی معتقدگردیدند انها درین سیاست انعکاس خواسته ها و ارمانهای خودرا مشاهده می کنندویگانه وسیله واقعی ساختن جامعه عادلانه ومترقی را در سرزمین باستانی مادرمی یابند . در تحقق این سیاست همه وطنپرستان کشورما ذینفع میباشند .

واضح است که مساعی زحمتکشان وتمام توده های مردم درجهت ساختمان افغانستان نوین وشگوفان باید منسجم ومتحد باشد ، درتحت شعاردرصف واحد بخاطرهدف مشترک اینست مهمترین شرط رسیدن به چنین هدف . واینست یکی ازعمده ترین وظایف مرحلهٔ موجود .

وطنپرستان افغانستان در شرایط کنونی وظایف خودرابه وجه احسن درک می کنند . انها روزبروزبه دورحزب دموکراتیک خلق افغانستان — حزبیکه بحق پیشاهنگ طبقهٔ کارگر وتمام زحمتکشان است ، حزبیکه نیروی سمت دهنده و رهبری کنندهٔ جامعه ودولت ماست متحد میگردند . انها دایماً سطح اگاهی ، تشکل ودسپلین خودرا ارتقا میبخشند .

درماه های اخیرکنگره های اتحادیه های مسلکی ، کوپراتیف های زراعتی ، سازمان های دموکراتیک جوانان وزنان افغانستان وهمچنین کنفرانسهای موسس اتحادیه های نویسندگان ، ژورنالیستان ، هنرمندان وروشنفکران اعم ازمعلمان ، کارمندان طب دایر گردید . درجریان این گردهم ایی های وسیع وتوده ای وطنپرستان افغانستان وفاداری واضح و صادقانهٔ خودرا به پیشرفت ملی واجتماعی کشور ابرازنموده حمایت کامل خودرا ازسیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان ودولت انقلابی اعلام نمودند .

جرگه های اقوام مومند ، نورزائی ، صافی ، افریدی ، شینواری و سایر اقوام وملیت های افغانستان بیانگر وحدت امید بخش نیروهای ملی و وطنپرست کشوراست . این جرگه های وسیع بصورت قطعی بیانگر انست که اعضاٌ وسران اقوام که درتاریخ افغانستان نقش مهم ومقام ارزشمند داشته اند و دارند صحت سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان ودولت انقلابی را بدرستی درک مینمایند ومتمایل اند ازهمه تحولاتیکه درجهت تامین پیشرفت همه جانبه کشورصورت میگیرد فعالانه پشتیبانی کنند . شکی نیست که اقوام وملیت های افغانستان اکنون در اتحاد نیروهای ملی و وطنپرست کشور جای مناسب وشایسته ای را اشغال خواهند نمود .

انقلاب عمیقاً ملی ودموکراتیک ثور مظهر نیرومند ارادهٔ مسلمانان افغانستان در راه نیل به عدالت واقعی اجتماعی است . ملاهای وطنپرست وسایر پیشوایان دین مقدس اسلام از طریق جمعیت العلما و روحانیت مترقی در امر ساختمان یک افغانستان نوین وشگوفان ، در امر متحدگردانیدن مسلمانان وطنپرست که اکثریت مردم کشورماراتشکیل میدهند ، نقش عظیم وشایستهٔ را ایفاٌ مینمایند .

بخاطر پیشرفت هرچه بیشتر میهن محبوب ما فضای روشن وسازندهٔ همکاری بین حکومت وسرمایه داران ملی وطنپرست درچوکات شورای مشورتی اقتصادی بوجود امده است .

بطور واضح حیات اجتماعی وسیاسی درکشورمابرمبنای مطمئن قانونیت ، اعتماد و همکاری متقابل میان نیروهای وطنپرست ، ملی ، اجتماعی و مذهبی فعال گردیده است .

فقط همین نیروهای ملی و وطن پرست که اکثریت عظیم خلق افغانستان راتشکیل میدهند قاطعانه بسوی اینده مینگرند ، به عدالت اجتماعی وپیشرفت همه جانبه علاقمندی دارند . بهمین اساس است که در محضر چشمان ما وحدت وسیع خلق ایجاد میشود ، اتحاد واقعی وهمکاری مثمر همهٔ این نیروها تشکل میابد .

بدینمنوال یکی از ارمانهای تاریخی بهترین فرزندان خلق مادرباره اتحاد عمیق وصادقانهٔ همه وطنپرستان کشورتحقق می یابد . اگرچه ضرورت ایجاد چنین اتحاد سالها وجود داشت ، اما شرایط واقعی تاسیس ان تنها اکنون مهیا گردیده است .

اکنون مسئله تشکل سازمانی این اتحاد مطرح است . زیرادیگر ، قسمت های متشکلهٔ ان — سازمانهای توده ای اجتماعی ایجادشده اند وفعالیت دارند .

ما دیگر در جبهه دفاع از انقلاب و مردم قرار داریم

خوانندگان عزیز مااطلاع دارند که چند روز قبل عده روحانیون و مو سفیدان شرافتمند ولایت بامیان به نمایندگی از باشندگان محترم آنولایت جهت ابراز پشتیبانی از انقلاب بخصوص مرحله نوین تکاملی آن و همکاری با دولت انقلابی شان به کابل آمده اند که طی دیدار با رفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم ج.د.ا آمادگی عام و تام خود را در تحقق بخشیدن این آرمان مقدس و پاک انسانی با صدور قطعنامه یی با صراحت اظهار داشتند .

خبر نگار حقیقت انقلاب ثور صحبتی با تنی چند از فرستادگان مردم شریف و عذاب دیده ولایت بامیان بعمل آورده که اینک فشرده از آنرا از نظر می گذرانیم .

در آغاز صحبت حاجی سلطان علی باشنده قریه دکانی که مصروفیت دهقانی دارد بخبر نگار حقیقت انقلاب ثور علت مسافرت و آمدن بکابل را تشریح نموده گفت : از وضع ناهنجار و زندگی رقت بار مردم بی دفاع ولایت بامیان درزمان سلطه حفیظ الله امین نا امین فکر نمی کنم .

(ص ۳)



در سایه دست اورد های انقلابی مردم ما برای اولین بار در تاریخ کشور سیاست واقعی برابری بین همه ملیتهای برادر کشور در پیش گرفته شد .

استقبال پرشور از بیانیهٔ رفیق کشتمند در هاوانا

رفیق سلطان علی کشتمند عضوبیروی سیاسی کمیتهٔ مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، معاون شورای انقلابی ومعاون صدرا عظم جمهوری دموکراتیک افغانستان که در راس یک هیات حزبی برای شرکت دردومین کنگرهٔ حزب کمونست کیوبا به آنکشور رفته است روز۲۹ قوس درجلسه عمومی این کنگره بیانیه مفصلی ایراد نمود که مورد استقبال گرم شاملان کنگره قرار گرفت .

رفیق سلطانعلی کشتمند و هیات همراهانش روزبیست وپنجم قوس وارد هاوانا شده درمیدان هوایی آن شهر ازطرف معاون صدراعظم وسایر شخصیت های حزبی کیوبا پذیرایی گردید .

درهیات افغانی رفیق محمود بریالی عضو کمیتهٔ مرکزی ، ومسوول شعبه روابط بین المللی کمیتهٔ مرکزی ومدیر مسوول روزنامهٔ حقیقت انقلاب ثور ارگان کمیتهٔ مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان نیز عضویت دارد .

جوانان رزمنده ما از میهن خویش دفاع میکنند

هرروز تعداد بیشتری از جوانان رزمنده وپیکار جوی حزب دموکراتیک خلق افغانستان بااحساس عالی وطنپرستی وبا ایمان قاطع عازم سنگر نبرد علیه اشرار جنایت پیشه و مزدوران دشمنان خاک ومردم ما میشوند به سلسله این عزیمت های داوطلبانه روز اول جدی عدهٔ زیادی از جوانان ازکابل عازم یکی از مناطق کشورشدند وهم تعداد کثیری از فعالین حزبی ولایت فاریاب اخیراً بصورت داوطلبانه درکنار برادران قوای مسلح وخارندوی شان رهسپار یکی ازمناطق آن ولایت گردیدند تادر برابر قاتلان کودکان ، زنان ، پیران وجوانان کشور دربرابر باجگیران ، خرابکاران ونوکران امپریالیزم وشوونیزم برزمند واز خاک مقدس خویش دفاع کنند .

قرار یک خبر دیگر یک تعداد از فعالین حزبی واعضای اتحادیه های صنفی ولایت بلخ که چندی قبل به صورت داوطلبانه درپهلوی قوای مسلح وخارندوی برای ازبین بردن اشرار عازم یکی ازنقاط آنولایت گردیده بودند اخیراً بعد ازسرکوبی آخرین بقایای عناصر ضد انقلاب پیروزمندانه به مزار شریف مراجعت کردند .

ردیک دروغ

آژانس های خبررسانی غرب این پاسداران منافع امپریالیزم در راس امپریالیزم امریکا یکبار دیگر باپخش دروغ های خود ساخته ادعا کرده اند که گویا عساکر کیوبایی وبلغاریایی در افغانستان علیه عناصر ضد انقلاب می جنگند .

برید جنرال رفیق محمد رفیع وزیر دفاع ملی جمهوری دموکراتیک افغانستان طی مصاحبه یی باخبر نگار آژانس باختر این خبر تحریک آمیز ودروغین را که خبر رسانی های غرب از قول یکی ازاجیران فروخته شده به امپریالیزم نشر کرده جداً رد نمود .

برید جنرال رفیق محمد رفیع گفت دستگاه های دروغ پراگنی غرب بااین جعلیات میخواهند منافع ازدست رفته شانرا که با پیروزی انقلاب ثور ازدست داده اند بازیابند .

رفیق رفیع افزود بههمه معلوم است که بجز از قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی که بر مبنای معاهده دوستی ، حسن همجواری و همکاری بین جمهوری دموکراتیک افغانستان واتحاد شوروی و مطابق منشور ملل متحد که برای دفع تجاوز خارجی بنابه تقاضای حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان

(ص۲)

بازگشت پیروزمندانه از کرکر

گروپ بریگاد های نظم اجتماعی که به صورت رضا کارانه وداوطلبانه جهت استخراج زغال سنگ از معدن کرکر به ولایت بغلان رفته بود بعداز ظهر پریروز پیروزمندانه به کابل بازگشت .

این جوانان قهرمان نه تنها به استخراج زغال سنگ از معدن کرکر پرداختند بلکه کار باز سازی تعمیر آن معدن راکه از طرف اشرار تخریب شده بود واعمار مجدد آن سه ماه را دربر میگرفت ، طی یکماه انجام دادند . همچنان آنها در تنویرذهنیت کارگران وتامین امنیت آنها از خود فعالیت خستگی ناپذیر نشان دادند .

به استقبال باز گشت پیروزمندانه وافتخارآمیز این گروپ پریروز محفلی ازطرف سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان در ادیتوریم لیسه امانی ترتیب یافته بود .

هموطنان ما به آغوش میهن بازمیگردند

به سلسله مراجعت هموطنان شرافتمند ما به وطن محبوب خویش افغانستان نود وهشت خانواده وبیش از نهصد وسی نفر که خونریزی های حفیظ اله امین جلاد وباند تروریستی او ایشانرا به ترک میهن مجبور ساخته بود اخیراً باروحیه سرشار ازوطنپرستی وآماده خدمت در راه تحقق دست آورد های مرحله نوین تکاملی انقلاب ثور ازطریق بنادر تورخم واسلام قلعه به خاک مقدس شان مراجعت کردند .

براساس گزارش قوماندانی قوای سرحدی نودو هشت خانواده سه صدوپانزده نفر از این هموطنان زحمتکش ما ازطریق بندر تورخم وششصد وهجده نفردیگراز طریق بندر اسلام قلعه به وطن بازگشته اند .

همچنان یکصد وپنجاه فامیلیکه در اثر ظلم واستبداد حفیظاله امین خاین وباند غارتگروی مجبور به ترک وطن عزیز شان شده بودند روز اول جدی درولسوالی حصارک ولایت ننگرهار به خانه های شان مراجعت کردند .

این برادران هموطن ما ضمن سپاس ازتسهیلاتیکه حزب ودولت جمهوری دموکراتیک افغانستان درمورد بازگشت آنها فراهم نموده اطمینان هرنوع جان نثاری رادر راه خدمت بهمردم وکشورمحبوب افغانستان وحفظ دست آوردهای مرحله نوین تکاملی انقلاب ثوربه دولت ملی و مترقی شان وعده دادند .

خبر های حزبی

خبر های رسیده حاکی ازآنست که استقبال وپشتیبانی مردم ازمصوبات چهارمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ونتایج سفر ارزشمند هیات عالیرتبه حزبی ودولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان تحت ریاست رفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی وصدراعظم به کشور دوست وبرادرما اتحاد شوروی وسعت بیشتری اختیار میکند ، چنانچه طی چندروز اخیر محافلی بدین مناسبت درصحن لیسه پسران ولسوالی چمکنی ولایت پکتیا ، موسسه عالی تربیه معلم ولایت ننگرهار ، مراکز ولسوالی های انجیل وپشتون زرغون ولایت هرات ، شهر میمنه مرکز ولایت فاریاب ، ولسوالی قلعه ذالولایت کندز ، مرکز آنولایت ودر اداره مرکزی احصائیه کمیته دولتی پلانگذاری ، درسالون ولایت ، آمریت اصلاحات ارضی وقوماندانی خارندوی ولایت غزنی ودرمرکز ولسوالی جوکی ولایت کنر بر گزار گردید .

اشتراک کنندگان این محافل پشتیبانی عام وتام شانرا از مصوبه های پلینوم جاری وسفر تاریخی هیات عالیرتبه کشور ما به اتحاد شوروی طی بیانیه ها ، شعارها و قطعنامه ها اعلام کردند .

اخبار خارجی : واقعیت ها ، حوادث

پیروزی بزرگ محصلان دموکرات و مترقی پاکستان

در انتخابات اتحادیه های محصلین پاکستان سازمانهای دموکراتیک و مترقی بر ضد رژیم نظامی ضیاء الحق به پیروزی چشمگیری نایل آمده اند .

خبرهای واصله ازپاکستان حاکیست که از جملهٔ نه پوهنځی درراولپندی واسلام آباد در هشت پوهنځی انتخابات به نفع سازمانهای مترقی و دموکراتیک بهنام های پیپلز ستودنتس فیدریشن ولیبرال ستودنتس فیدریشن انجا میده است وسازمان ارتجاعی رابه نام محصلین جمعیت اسلامی که از جانب رژیم نظامی پاکستان تحت حمایت قرار دارد با شکست ننگینی مواجه ساخته اند .

خبر های واصله میرساند که توأم بااعلام نتایج انتخابات اتحادیه های محصلین هزاران تن از محصلین با استفاده از موترهای لاری و بس در جاده های اسلام آباد وراولپندی مارشی را براه انداختند و محصلین پیهم بر ضد رژیم نظامی ضیاء الحق شعار میدادند .

گزارش های رسیده حاکیست که هزاران نفر از مردم در جاده های راولپندی و اسلام آباد به دورمحصلین حلقه زده بودند . علی الرغم آن که تعداد کثیری از پولیس مسلح درمسیر مارش کنندگان قرار گرفته بود وبا وجودیکه در برابر هرنوع مارش و فعالیت های سیاسی در پاکستان قیودی وضع گردیده است مگر بازهم جلو جوش وخروش محصلین و مردم این شهر هارا برضد رژیم نظامی پاکستان گرفته نتوانستند .

در اینجا این مطلب قابل ترجه است که توأم با اعلان نتایج این انتخابات موسسات تعلیمی به نام رخصتی زمستانی مسدود ساخته شده اند زیرا رژیم نظامی پاکستان از موج نا آرامی های تازهٔ محصلین بهراس افتاده است .

دیدار هیأت حزبی کشور ما از مجارستان

بنابه دعوت کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان از تاریخ ۸ الی ۱٤ دسمبر سال ۱۹۸۰ هیأت حزب دموکراتیک خلق افغانستان برهبری رفیق محمود بریالی عضو کمیته مرکزی ، عضو شورای انقلابی ومسوول شعبه روابط بین المللی کمیته مرکزی ازمجارستان بازدید بعمل آورد .

هیأت افغانی راجنس اندرش منشی کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان پذیرفت وهمچنین مهمانان افغانی بابرس یانوش عضو کمیته مرکزی ومسوول شعبه روابط بین المللی کمیته مرکزی ملاقات وصحبت نمودند .

هیأت افغانی با عده یی از اعضای کمیته مرکزی وکارکنان ارگان نشراتی کمیته مرکزی حزب اتحادیه کارگران ، جبهه ملی وغیره ملاقات هایی بعمل آوردند .

جانبین در فضای صمیمانه و رفیقانه اطلاعاتی را در باره واقعیات وحوادث هردو کشور در باره مسائل وپروگرام های هردو حزب درجهت حل مسایل مبرم ملی وبین المللی بیکدیگر ارائه نمودند . همچنان در باره اوضاع وپرابلم های بین المللی بخصوص حوادث و جریاناتی که درین اواخر در شرق نزدیک وشرق میانه رخ داده است ، تبادل نظر وسیع صورت گرفت .

نمایندگان حزب سوسیالیست کارگری مجارستان با صراحت همکاری وهمبستگی حزب خودرا با مردم افغانستان تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان درجهت به پیروزی رسانیدن اهداف نجات بخش انقلاب ثور در امر ساختمان جامعه نوین جهت دفاع ، تحکیم وتوسعه دست آورد های ارزشمند انقلاب ثور وبه خاطرحفظ آزادی واستقلال کامل افغانستان درمبارزه علیه نیروهای امپریالیستی وهمدستان آنان اعلام میدارند .

جانب مجارستان امادگی خودراجهت کمک های همه جانبه به حزب دموکراتیک خلق افغانستان اعلام نمودند . جانب مجارستان مشی دولت ج . د . ا را مبنی برحل صلح آمیز پرابلمهای بین المللی وتلاش درجهت حل وفصل سیاسی اوضاع ازطریق مذاکره تایید وامیدواری نشاندادکه دولت ج . د . ا پرابلم های سیاسی خودرا با کشورهای همسایه ازطریق مذاکره حل وفصل نمایند تادرمنطقه صلح وامنیت برقرارگردیده ومردم آن در فضای امنیت وآرامی زندگی نمایند .

هیأت افغانی در ارتباط با ساختمان سوسیالیزم ، پلانها و تجربه هاییکه مردم مجارستان آنرا مورد تطبیق قرارداده اند ، قدردانی خودرا ازکار پر ثمر وسازنده کارگران مجار اعلان نمودند .

جانبین اعلان نمودند که در موقعیت کنونی جهانی درشرایطی که حلقه های افراطی امپریالیستی حملات خودرا برضد سیاست صلح شدت بخشیده اند نیروهای مترقی وصلح دوست جهان متحداً وظیفه عمده خودبدانندکه جهت تحکیم صلح جهانی ، ازبین برد ن پلانهای جنگ طلبانه ، ازبین مسابقات تسلیحاتی وبرای امنیت اجتماعی وبین المللی مبارزه پیگیر نمایند .

طرفین اظهار نمودندکه گردهمایی کمیسیون صلح وامنیت اروپایی در مادرید گام های مهم را در پیاده ساختن نتایج کنفرانس هلسنگی جهت صلح عمومی برداشت . همچنان جانبین یادآوری نمودند که در شرق نزدیک وشرق میانه که اختلافات روبه افزونی است خصوصاً میان کشورهاییکه سیاست ضد امپریالیستی رادرپیش گرفته اند ، این امر و درعین زمان مشاجره وجنگ در بین آنان نه تنها صلح را درمنطقه به مخاطره می اندازد بلکه خطرجنگ جهانی را نیز تزیید می بخشدکه همه این حرکات به سود د سایس کشورهای امپریالیستی میباشد .

درجریان بحث طرفین مناسبات و ارتباطات دو حزب رامورد غور قرار دادند وهمکاریهای مشترک بین حزب دموکراتیک خلق افغانستان وحزب سوسیالیست کارگری مجارستان را امضا نمودند وبه صراحت اعلام نمودندکه همکاریها وارتباطات مشترک هردوحزب همبستگی عالی و رفیقانه را بین مردم هردو کشور برای پیشبرد نظام اجتماعی شان در مبارزه یی که درپیش دارند تقویت مینماید .

هیأت افغانی به روزیکشنبه بوداپست راترك گفتند ، درمیدان هوایی باهیأت افغانی ناج گابور عضو کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان وعده یی دیگر وداع نمودند .

سومین هفته کار انقلابی جوانان

اعضای سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان این نیروی پر تحرك وجوان جامعهٔ ما از هم اکنون به ساختمان جامعهٔ خود دست میزنند آنها با کار وپیکار انقلابی خود علاوه بران که برضددشمنان انقلاب مسلحانه میجنگند درکار های تعمیری وطن نیز سهم میگیرند .

چنانچه عدیی ازاعضای سازمانهای اولیه شهر کابل سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان سومین هفته کار انقلابی خود را روز اول جدی درمطبعه حزبی و پروژه پیاده روزیرزمینی محمد جانخان وات آغاز کردند .

درین کار داوطلبانه وانقلابی درحدود یکصد وهفتاد نفر ازاعضای سازمانهای اولیه شهرکابل آن سازمان شرکت داشته به کار دستجمعی خویش تا ششم جدی درین پروژه ها ادامه خواهند داد .

در راه دفاع از انقلاب

اشرار سیاه روو خاین به وطن دیگر نمیتوانند از کیفر اعمال شوم شان در امان باشند وهرروزهر تعداد بیشتری از آنها سرکوب وبا شکست ننگین رو به رو میگردند .

به سلسله پاکسازی وطن از وجود این جنایتکاران اخیراً دسته بزرگی ازآنها که به خواست باداران امپریالیستی شان دررأس امپریالیزم جهانخوار امریکا زندگی آرام ومرفه بعضی از قرای ولسوالی میوند ولایت کندهاررا باآدمکشی ودهشت افگنی اخلال نموده بودند با چندتن از سر دسته های آنان توسط قوای امنیتی به همکاری مردم شریف ولسوالی میوند سرکوب وعده یی ازآنها دستگیر گردیدند .

یك منبع قوای امنیتی کندهار گفت ازنزد این دزدان وآدمکشان سلاح های مختلف النوع امریکایی ، چینی وپاکستانی بایك تعداد زیاد مرمی ، بم های دستی ومواد انفلاقیه به دست آمده است .

همچنان گروه هایی ازاشرار که باآدمکشی ، قطاع الطریقی وچوروچپاول فضای زندگی صلح آمیز مردم زحمتکش مربوطات ولایات بادغیس ، کندز وبدخشان را اخلال میکردند اخیراً از طرف قوای مسلح قهرمان ، خارندویان دلیر و فعالین حزبی درمناطق کوکچین شهر چغچران وعلاقه داری کشك کهنه ولایت بادغیس ، در جاده کندز بغلان وقریه فرغامنج ولسوالی جرم ولایت بدخشان به کیفر اعمال ضد اسلامی وضدانسانی شان رسیدند .

ازنزد این خاینان وقطاع الطریقان نیز انواع مختلف سلاح های امریکایی ، چینی و پاکستانی بایك تعداد زیاد مرمی به دست آمده است .

یك منبع ولایت کندز اطلاع میدهد که محمد اکبر ، باشنده گذر چرمگری آنولایت که به حیث سردسته اشرار در جاده کندز بغلان دست به ربودن اموال موتر ها و آدمکشی میزد نابود گردیده وعده یی از عناصر ضد انقلاب دستگیر شدند .

این است سزای آنانیکه به نام دفاع ازاسلام وباسلاح وپول دشمنان اسلام در کشور خویش دست به کشتار بیگناهان و ویرانگری میزنند .

(بقیهٔ ص اول)

ردیك دروغ

وارد این کشور شده اند جزیی ترین ، واحد نظامی دیگرخارجی درافغانستان وجود ندارد و اردوی قهرمان افغانستان خود قادر بوده واست تابه عناصرپلید وفروخته شده ضد انقلاب جواب دندان شکن بدهد .

وی افزود وزارت دفاع ملی افغانستان این جعلیات آژانس های خبر رسانی امپریالیستی راکه پروپاگند های دشمنانه آنها بر ضد انقلاب ثور برهمه معلوم است بی اساس وعاری ازحقیقت میداند قابل یاد آوری است که وزارت خارجه کیوبا نیز چندی قبل اتهامات مشابه دستگاه های دروغ پراگنی غرب را رسما رد کرده بود .

(پ)

حقایق و ارقام

بااصلاح وتجدیدماشینری وتجهیزات تصدی میوهٔ کندهار که هشت ماه ازطرف متخصصین بلغاریایی صورت میگیرد ، محصولات آن از هفتصد تن میوه وسبزیجات به هفت هزاروششصد وسی وپنج تن به ستندرد بین المللی ارتقاء خواهد یافت .

مصارف اصلاح وتوسعه این تصدی که سه صد وهفتاد وهشت هزار لیوهٔ بلغاریایی میشود قسماً از کریدت جمهوری مردم بلغاریاو قسماً ازبودجه انکشافی دولت تمویل میگردد .

فابریکه افغان ترکانی تصدی در هشت ماه امسال به ارزش بیشتر از ۷۳ میلیون افغانی اجناس تولیدی اش رابه فروش رسانیده که این رقم با مقایسه یکسال گذشته اضافه از ۲۷ فیصد افزایش را نشان میدهد .

این فابریکه درطی هشت ماه به ارزش هشتاد ویك میلیون وپنجصد وسی هزار افغانی تولیدات داشت که به تناسب تولیدات سال ۱۳۵۸ ، ۳۳ر۸۳ میلیون افغانی اضافه تر میباشد .

تولیدات این فابریکه عبارت ازموبل ، فرنیچر ، چوکی درسی ، الماری لباس ، الماری کتاب ، موبل و فرنیچر کلاسیك به سبك انتیك ، دروازه وسایل آشپزخانه ، مجسمه های چوبی وغیره میباشد .

در پهلوی این تولیدات یك دستگاه جداگانه که تخته پرس یا اشپانپلیت تولید مینماید نیز فعال میباشد .

* * *

به منظور کمك به مولدین جهت ارتقای سطح تولیدات ، انکشاف وارتقای بیشتر صنایع دستی کشور و مساعدت به تجار وسرمایه داران ملی بانك انکشاف صادرات درنه ماه امسال مبلغ (۷۸۸۸۳٤٥۲۰) افغانی که به مقایسه همین مدت سال ۱۳۵۸–۳۳ فیصد افزایش رانشان میدهد بطور قرضه به موسسات مختلف مساعدت نموده است

همچنان میزان کریدت های وارداتی بانك از شروع امسال تاکنون به مبلغ (۱۱۶۷۰۸۸۱) دالر (۳۵۶۹۱) پوندو (۲۸۰۱۹۵) مارك بالغ شده است که به مقایسه همین مدت سال گذشته (۵۷۵) فیصد اضافه تر میباشد .

نامه های مردم

پاسخ به یك نامه از طرف اداره انکشاف کوپراتیف های استهلاکی وزارت تجارت

محترم مدیر مسئول حقیقت انقلاب ثور !

ما شمارهٔ ٤۷ تاریخی یکشنبه ۳۰ قوس ۱۳۵۹ حقیقت انقلاب ثور را مطالعه ودر صفحهٔ دوم آن در بخش نامه های مردم مطلبی را یافتیم که واقعاً برای ما قابل افتخار است زیرا دانستیم که مردم شرافتمند ماهمواره تمام پلانها واهداف والای حزب ودولت جمهوری دموکراتیك افغانستان را با دقت تعقیب نموده هر روز شاهد تطبیق تمام نیات نیك دولت جمهوری دموکراتیك افغانستان بوده ومی باشند .

کوپراتیف های استهلاکی که در پهلوی سایر سازمان های مردمی بعد از پیروزی مرحلهٔ نوین وتکاملی انقلاب ثور تاسیس گردید مطابق مشی انقلابی ومترقی حزب ودولت ج . د . ا در جهت خدمت به تمام زحمتکشان جامعه مادر تهیهٔ موادمصرفی و غیر مصرفی مورد ضرورت مردم و بسیج نیروهای ملی ومترقی دریك جبهه وسیع پدر وطن فعالیت خود را پیش می برد . این نوع کوپراتیف ها که تازه در کشور ما به فعالیت آغاز نموده و هنوز در نطفه تلاش به خروج میدهد تاتمام مواد مورد ضرورت اعضای خود را که بصورت داوطلبانه عضویت کوپراتیف را می پذیرند ، چه از منابع داخلی وچه از منابع خارجی تهیه و بدسترس شان بگذارد ، تا ازیك طرف مواد مورد ضرورت را بنرخ ارزانتر از بازارخریداری کرده و از طرفی هم از سرگردانی از یك دوکان به دکان دیگر وچانه زدن هانجات یابند ، که خوشبختانه در مدت سه ماه ماتوانستیم کوپراتیف های استهلاکی بانکها را باعضویت تقریباً (۲۰۰۰ نفر) کوپراتیف استهلاکی کارگران صنعتی شهر کابل را با عضویت در حدود ۹۰۰ نفر و کوپراتیف استهلاکی «اتکاء» را که مربوط موسسات وزارت تجارت – دا صلاح شوو تخمونو شرکت و شرکت کودکیمیاوی باعضویت بیش از ۷۰۰ نفر تاسیس نمائیم که مغازه های فروش مواد رانیز برایشان تهیه نموده ایم .

ما توانستیم یك مغازه فروش مواد اولیه در سالنگ وات مربوط کوپراتیف استهلاکی بانکها و دومغازه دیگر درساحه مکروریان سوم مقابل مطبعهٔ دولتی افتتاح نمائیم که فعالیت شان جریان دارد ، این فعالیت های ما بصورت تجربوی آغاز یافته و آهسته آهسته زیاد شده می رود . ماکمال افتخار داریم از اینکه توانستیم درمدت کوتاهی با پیاده نمودن اهداف خویش در عمل توجه دوستان وعلاقمندان واقشار زحمتکش وطن خویش را بطرف خود جلب نمائیم .

از اینکه یکی از دوستان ارجمند ما مشکلات یك بخش از زحمتکشان کشور ما را «بخصوص شهر کابل» که عمر شان را در راه خدمت به وطن صرف کرده اند توضیح داده و از ما تقاضای تاسیس یك کوپراتیف استهلاکی را برای متقاعدین نموده اند ، صمیمانه ابراز تشکر می نمائیم اما باید یاد آور شویم که قبلا ما درزمینه تصمیم اتخاذ نموده ایم زیرا حین تاسیس کوپراتیف استهلاکی اتکاء در مجمع عمومی آن موضوع شمولیت متقاعدین به آن کوپراتیف مطرح شد که خوشبختانه مجمع عمومی کوپراتیف متذکره تصویب نمودند « که متقاعدین محترم شهر کابل نیز میتوانند عضویت این کوپراتیف رابدست آرند» که البته ما در نظر داشتیم که از طریق اخبار و رادیو هم اعلان نمائیم ، خوشبختانه که دوست ارجمند(ح-ه) ازطریق جریده حقیقت انقلاب ثور این ارگان حزب طبقهٔ کارگروهمه زحمتکشان افغانستان ، مشکل مارا رفع نمودند ، مااز این دوست خود تقاضا می نماییم تاموضوع را بههمه متقاعدین محترم تبلیغ نمایند که بتوانند بادر نظر داشت مواد اساسنامه کوپراتیف های استهلاکی عضویت آن را بدست آرند ، آدرس کوپراتیف اتکاء : مکروریان سوم مقابل مطبعه دولتی ، کوپراتیف استهلاکی اتکاء.

درپایان خاطر نشان می سازیم که ادارهٔ انکشاف کوپراتیف های استهلاکی درخدمت همه زحمتکشان بوده ومنتظر نظریات وپیشنهادات شان میباشد.

آرزوی ماابن است تا همه زحمتکشان میهن ما و در قدم اول از شهر کابل به جنبش کوپراتیف های استهلاکی بپیوندند .

«این نهضت را باید عمومی وسرتاسری ساخت وایمان داریم که چون در خدمت مردم قرار داریم به آرزوی مان می رسیم ».

آدرس ما: اداره انکشاف کوپراتیف های استهلاکی وزارت تجارت کارته ۳ عقب وزارت تحصیلات عالی .

تیلفون ٤۰۷۳۵ شادباشید

در لابلای خاطره ها

از واژگونی باندامین خون آشام وامینی های ددمنش که تاریخ داغ لعنت ونفرین مردم رابر جبینشان جاودانه کوبیده است ، یکسال میگذرد . خاطره های اولین روز های بعدازقیام ششم جدی را ورق میز نیم قصه دلها را میشنویم ، دلهای که چون صحرای سوزان در معرض گرمای بی عدالتی ها قرار گرفتند و سوختند .

این خاطره ها اسنادمحکومیت قاطع برعلیه آدمکشان بیرحم وسیاهروی دوره امین اند .

بیوه رفیق شهید هدایت گفته بود : ده روز از تولد دختر کم تیر شده بود ، یکروز برف آلود و طوفانی – بود برف باشدت بسرو روی ما فرود می آمد خنك تا مغز استخوان نفوذ میکد مارا از خانی ما کشیدن وقتی که به آنها گفتم مه با این اطفال قد ونیم قد کجابروم ؟ درجوابش بادنیایی از بی اعتنایی گفته بودند مرستون برین .

در دهلیز احصائیه مرکزی زنی که اشك هایش را با نوك چادر پاك میکرد گفته بود:

«ظالما بچیمه بندی کدن ، اوره بیگناه بوردن ، هیچ نکده بود ، عبدالله جوالی بود ، یك بچی آرام وآل وصالح ، بچی نو داماتم بوردن » و بعد در حالیکه هر دو دست را بهم میزد گفته بود : «برش زن گرفتم ، قرضدار شدم ، هنوز یکماه از طویش تیر نشده بود که سر به نیستش کدن » .

زن دیگری در سرو یس میرویس میدان گفته بود: «شویم چوبفروش بود اوره کت پیسیش بردن وختی که پیش امین عریضه کدم برش زاری وعذر کدم پیشش گریان کدم ، گفتم کت امی صغیرایم عین از غزنی آمدیم ، طرفم سیل کد سیل کد باز خنده کد گفت تو ، نمیشرمی که آمدی پرسان یك چوب فروش پیره میکنی تو جوان استی برو غم خوده بخو ...

جوان دیگری که درد هلیز احصائیه مرکزی بدیوار تکیه داده ودر نگاهش دنیای از انتظار موج میزد گفته بود : «برادرم نصرالله مدیر رادیو تلویزیون بود اوره بتاریخ چهار ده اسد ده واقعه بالا – حصار بردن .»

وزن دیگری در احصائیه مرکزی گفته بود : «ظالمه بچیمه بوردن . مورده وزندیش گم اس ، اولادایشه صبح میبرم پیشاس صدارت ایستاد میکنم مه کت ازی یتیما چی کنم .»

ما در دیگری که در مرگ پسرش بسیار گریسته بود و چشمانش چون دو کاسه خون سرخ واشك آلود بودند گفته بود : «یکروز خبر شدیم که آدمکشای امین بچیمه میبرن ... بعد گریه مجال حرف زدن برایش نمیدهد خیلی میگرید گریه اش تلخ ودرد آلود است . مثل دیوانگان از جایش بر میخیزد با خود ش حرف میزند میگوید :

«حالی ده قبرستان میرم پیشس بچی جوانمرگ میرم ، پرسان بچی نامرادم میرم ، بچیم از مه قار کده کت مه گپ نمیزنه .»

ظاهره عضو سازمان دموکراتیك زنان گفته بود : « به پیروزی ایمان داشتم ولی بالت وکوب همه روزه زنده ماندن خوده تصور نمیکدم . او لین پرسشس شان ازمه ای بوذ : آیا ... هستی؟ و مه درجوابش خنده کدم گفتم بگوئین آیا.... هستی ؟ و ادامه دادم مه ده یك محکمه واقعی و عادلانه به شما جواب خات دادم . با کلمه محکمه ... از موهایم گرفت وباقوت تمام سرم به دیوار کوبید با مشت و لگد بجانم افتاد بعد دستها یمه از پشت بسته کد معاون شکنجه گاه بروی شکمم ایستاد ویاور امین پاهایش رابالای گلو یم گذاشت به پاهایم سیم برق رابستند معاون شکنجه گاه مکرر از من میپرسید بگو با کی ارتباط داشتی ؟ وقتی جوابی نمیشنید چون گاو دیوانه نعره میزد : اوره بکشین که بسیار وفادار به حزب خود اس ، وقتی از شدت درد به آنها دشنام میدادم دهن مه با دستمال چرکین بسته میکدن وبا بوت هایشان به فرقم می کوبیدن خون داغ در لابلای موهایم دلمه می بست . با فرود آمدن هر مشت به دهنم مزه شورخون و شکستن دندان هایمه احساس میکدم وقتی از هوش میرفتم سرمه زیر آب میگرفتن و همینکه بهوش می آمدم دوباره لت و کوب شروع میشد .

پسر جوانی گفته بود :«ای خون خور را پدر پیر مه کت خود بوردن و خانه ره آتش زدن ای نامردا هیچ چیز بر م نماندن . مه غرق شدم . ای غارتگراعزت وآبرو یمه پایمال کدن . »

ملالی امواجپور گفته بود : «مه قصد کدم که ده جاده پر هیاهوی زاندگی استوار گام بر دارم ، نا ملایمات زندگی ره ناچیز بگیرم ولی طفل کلانم که بیش از چهار سال داره با سوالات گونا گون خوده دیوانیم میکنه مه بااز دست دادن امواجپور باانواع مشکلات روبرو گردیدم ولی همه ره با جدیت وپشتکار از پیش پایم بر داشتم وباز هم خواهم بر داشت ولی از دیدن اطفال یتیم بسیار رنج میبرم .

مستوره کامبخش گفته بود : «همه جاهاره از پای کشیدم ولی کوچکترین نشانی از کامبخش خود نیافتم دگه ازی همه پرس و پال خسته شدم گویا مرده هستم که به خاطر تسلی اطفالم نعشس خوده بدوش میکشم . زیرا دیگر کامبخش برم وجود نداره اوره بر همیشه ازدست دادم و اکنون یگانه چیزی که مره پابند زندگی میسازه وجود اطفال واحساس وطنپرستی ام میباشه .»

عالمه گفته بود: «آنها فریاد میزدند شما زنها که ده گرفتن تساوی حقوق ادعا دار ین پس شکنجه هاره نیز تحمل کنین زیرا ماده شکنجه دادن حقوق شماره مساویانه ده نظر گرفتیم .»

وسمین گفته بود : «با تمام رنج های که من و هموطنانم دیده ایم وقتی از آن متاثر می بودم که پیروزی بدنبالش نمی آمد ولی خوشبختانه تمام رنج هاودرد های من و مردم کشورم باسقوط امین التیام پذیرفت . »

خاطره هاحکم می کنند که: میبائیست سلطه جبرو تی جلادان سرنگون گردد .

اخبار خارجی : واقعیت ها ، حوادث

از تیلی تایپ

زیاد تر از شصت نفر از قانونداننان شهر بریسبال تقاضا نامه‌ای را به امضا رسانیدند که در آن رهایی عاجل م . فرهاد منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونست بنگله دیش را که مدت ۹ ماه را در زندان سپری نموده خواستار شده اند . آنها همچنان خواستار برداشتن کلیه اتهامات علیه وی میباشند .

استیناف طلبی این وطنپرست سرسخت و اصیل روشن می سازد که وی سهم بزرگی در مبارزه مردم بنگله دیش برای استقلال وهمچنین تضعیف محدودیت اجتماعی واقتصادی بازی نموده است .

چین در پاکستان پایگاه نظامی بحری میسازد

چین و پاکستان برای ساختن یک پایگاه بحری در غرب بندر کراچی به مذاکرات سری خویش پایان بخشیدند نشریه هندی «آسیا انترنشنل» گزارش میدهد که طرح این توافق در جریان دیدارهیات نمایندگی قوماندنی اعلای قوای بحری پاکستان که در سال گذشته از چین بازدید بعمل آورده بود ، تدارک دیده شده بود و اسناد آن درماه نوامبر گذشته در جریان بازدید «لیوداو شنگ» قوماندان سرپرست قوای بحری چین از پاکستان به امضا رسید . نشریه «آسیا انتر نشنل» تاکید نمود که کار مقدماتی برای ساختمان یک بندرگاه به بهانه کمکهای امدادی برای خط ساحلی درساحه کراچی آغاز گردیده است . قرار است ساختمان این پایگاه درفاصله زمانی سه سال به پایه اکمال برسد .

قاضی صفدر شا :

رژیم نظامی ضیا الحق اعتبار قانونی ندارد

صفدر شاه قاضی سابق ستره محکمه پاکستان گفت رژیم نظامی ضیاء الحق اعتبار قانونی اش رادر پاکستان از دست داده غیر قانونی میباشد .

صفدر شاه که دراین اواخر از اثر ظلم واستبداد رژیم نظامی پاکستان به ترک کشورش مجبور شده است روزاول جدی دریک مصاحبه مطبوعاتی درلندن گفت : ستره محکمه پاکستان درصورتی رژیم ضیاء الحق راقانونی شمرده بودکه اوباید در ظرف ششماه انتخابات عمومی رادر کشور عملی میساخت .

ولی اکنون که سه سال از غصب قدرت توسط وی میگذرد انتخابات دایر نگردیده بناءً صلاحیت قانونی وی به صورت قطعی سلب گردیده است .

صفدر شاه گفت که وی از لحاظی درباره فساد های قانونی در پاکستان اظهار رای کرده نتوانست که در آنجا اختناق شدید حکمفرما بوده تمام وسایل اطلاعات جمعی ازطرف رژیم نظامی پاکستان تصرف گردیده شدیداً تحت سانسور میباشد .

صفدر شاه اعلام کرد که وی برای رویکار شدن یک حکومت قانونی در پاکستان به جای رژیم نظامی غیر قانونی ضیاء الحق مبارزه خواهد کرد زیرا مردم پاکستان بیش از این تحمل این همه رنج واختناق رانداشته خواستار آزادیهای دموکراتیک، اعاده دموکراسی وقانون در این کشور میباشند واگر وضع به حالت فعلی ادامه یابد حالت خطرناکی در پاکستان بوجود خواهد آمد .

صفدر شاه قاضی سابق ستره محکمه پاکستان در مصاحبه مطبوعاتی خویش به ژورنالیستان پاکستان اجازه شرکت نداد وی در این باره درپاسخ سوالات بعضی از ژورنالیستان توضیح کرد از آنجا ییکه تمام مطبوعات ، رادیو وتلویزیون پاکستان در کنترول و سانسور شدید حکومت نظامی میباشد واز طریق آنها انعکاس حقایق امکان ندارد ازاین لحاظ شرکت ژورنالیستان پاکستانی دراین مصاحبه هیچ فایده یی ندارد .

نظامیان پاکستان شنیدن کست‌های پشتو وبلوچی را منع کردند

گزارش های رسیده از پاکستان حاکیست که به حکم رژیم نظامی پاکستان پولیس بلوچستان در آن ایالت تعداد زیادی کست های پشتو وبلوچی را ازمردم جمع وخرید وفروش وشنیدن آنرا منع کرده است .

پولیس این کست ها را بر ضد به اصطلاح مصالح پاکستان می داند

این عمل نامطلوب رژیم نظامی پاکستان دربین ساکنان بلوچستان نا آرامی های بزرگی را بوجود آورده است .

مردم بلوچستان این عمل پولیس راضد برابر زبان وکلتور خویش توهین بزرگ خوانده آنرا اقدامی در جهت محروم ساختن از کلتور شان میدانند .

در گزارش های رسیده علاوه شده است که اتحادیه های محصلین و روشنفکران این فیصله تفرقه انگیز رژیم نظامی این دشمن کلتور خویش را به شدت محکوم ساختند .

پولیس بلوچستان جزوه یی را که حاوی خواست های مردم میباشد واز طرف حزب دموکراتیک ملی پخش گردیده مصادره کرده است .

وحدت نظر بین ویتنام والجزایر

آخرین دور مذاکرات بین عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونست ویتنام ، معاون صدراعظم جمهوری سوسیالستی ویتنام جنرال نگوین جیاپ وعامل مسوول سکرتریت دایمی کمیته مرکزی جبهه آزادی ملی الجزایر ـ محمد شریف مساویا ـ در پایتخت الجزایر به پایان رسید .

راپور منتشره دررابطه با مذاکرات فوق حاکیست که نقطه نظرهای نمایندگان هردو کشور درموضوعاتی چون پشتیبانی از مبارزات آزادیخواهی ملی خلقهای تحت ستم ، احیای دو باره جنبش کشور های غیر منسلک تقویت صلح وپایه گذاری اقتصاد جدید جهانی با هم منطبق بوده وطرفین بر ضرورت تشکیل جبهه متحد علیه امپریالیسم ، تبعیض نژادی ، صهیونیسم واستعمار تاکید ورزیدند .

زبان گفتگوی ناتو

بقیه سرمقاله

وحدت خلل ناپذیر ...

حزب دموکراتیک خلق افغانستان ودولت انقلابی ما بروز این حالت را پیشبینی نموده اند . انها بمنظور تامین شرایط ضروری ومساعد برای تاسیس موفقانه اتحاد وسیع نیروهای ملی و وطنپرست کشور پلان طرح وسنجش شده دارند . طبعاً چنین اتحاد هنوز هم زیاد تر مناسبات حزب و حکومت انقلابی را با توده های وسیع مردم مستحکمتر میسازد . در عین زمان این اتحاد به همه وطنپرستان واقعی موقع میدهد تا هرکدام اجرای خود در واقعیت انقلاب ماموقف سیاسی شایسته ای دریافت نماید و در ساختمان افغانستان نوین وشگوفان نقش شایسته خود را ایفا کند .

در اسناد اساسی مرحله جدید انقلاب ثور ـ در ((تزهای کمیته مرکزی ح د خ ا بمناسبت دومین سالگرد انقلاب ثور)) ، ((اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان)) مورخ ۲۵ حمل ۱۳۵۹ ، درمواد چهارم پلینوم کمیته مرکزی ح د خ ا بعد از ٦ جدی در بیانات رفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی ح د خ ا ، رئیس شورای انقلابی وصدراعظم ج د ا ، اساسات اصولی وراه های مشخص رسیدن به وحدت نیروهای ملی و وطنپرست معین گردیده است چنانچه در ((اصول اساسی ج د ا)) گفته میشود :

((قدرت زحمتکشان در جمهوری دموکراتیک افغانستان متکی به جبهه وسیع ملی پدروطن است که کلیه کارگران ، دهقانان ، کسبه کاران ، کوچیان ، روشنفکران ، زنان ، جوانان ونمایندگان تمام ملیت ها ، اقوام وکلیه نیروهای مترقی ، دموکراتیک و وطنپرست وسازمانهای اجتماعی وسیاسی کشور را تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان به اساس برنامه عمومی اعمار جامعه نوین ازاد ودموکراتیک متحد میسازد .

جبهه ملی پدروطن موظف است تا دراتحاد تمام نیروهای خلق فعالیت مشترک درتعمیل وظایف انکشاف ملی ودموکراتیک کشور ، در تربیه مردم به روحیه وطنپرستانه وجلب وسیع اتباع در اداره امور دولت و جامعه مساعدت کند)) (ماده سوم)

سازمان های شامل جبهه هم بحیث مدافع منافع همه خلق عرض اندام میکنند وهم ازمنافع اجتماعی ، ملی ومذهبی قشرهای مختلف زحمتکشان حراست مینمایند که در نتیجه منافع زحمتکشان درچوکات جبهه ملی پدروطن متحد وهم اهنگ میشود .

حزب دموکراتیک خلق افغانستان به شایستگی مقام رهبری جامعه مارا احراز نموده است . طبیعی است که حزب درپهلوی دیگراعضا در چوکات جبهه ملی پدروطن نیز نقش پیشاهنگ و رهبری کننده رابه عهده میداشته باشد .

جبهه ملی پدروطن که زاده انقلاب ثوراست به عامل موثر امر تعمیق و انکشاف اینده انقلاب مبدل میگردد . فعالیت جبهه حرکت خلق مارا به سوی هدف روشن ونجیبانه ـ به جهت ایجاد یک جامعه عادلانه ، مترقی وشگوفان درافغانستان تسریع مینماید .

فریضه همه وطنپرستان افغانستان است تا درایجاد جبهه ملی پدروطن در کشور ما کوشش کنند وبصورت جدی درفعالیت پرفیض ان سهم بگیرند .

زنده باد وحدت نیروهای ملی و وطنپرست افغانستان !

(بقیه ص اول)

ما دیگر در جبهه دفاع از انقلاب ومردم قرار داریم

هموطنان ما در دیگر نقاط کشور آگاه نباشند ، وضع و زندگی که در آن شرایط نه تنها مردم ولایت ما با آن سردچار بودند بلکه اکثریت هموطنان ما اعم از زن و مرد و پیر و جوان و حتی اطفال مزه آنرا چشیده اند ما را مجبور به ترک خانه و کاشانه مانمود، مجبور گردیدیم باآنچه که در دست داشتیم در مقابل جلادان ، خاینان و خون خواران حکومت ناپایدار حفیظ الله امین آدمخوار قد علم نماییم واز شرافت ، حیثیت و ناموس خود دفاع کنیم و مرگ را البته مرگ با افتخار را هر لحظه در چند قدمی خود فکر می کردیم ولی قیام و پیروزی شش جدی ما را ، ناموس و خاک ما را نجات داد ماامیداین نجات خودرا با شنیدن بیانیه ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب و رئیس شورای انقلابی توام باخبر سقوط امین که از طریق رادیو شنیدیم در دل های خود راه دادیم که واقعاً هم چنین شد نمایندگان و همدستان امین جلادمردم بیچاره را به نام مذاکره جمع می کردند و با خود می بردند ولی دیگر از آن ها نا می برده نمی شد وپرسان آنها را کسی کرده نمی توانست .

یکتن از باشندگان قریه شهیدان ولایت بامیان به ارتباط گفتار همشهری دیگرش که با خبرنگار حقیقت انقلاب ثور مصروف صحبت بود علاوه کرد :

نام من محمد باقر است خودم دهقان هستم تا پیشس از شش جدی در جبهه بودم و حتی قوماندان گروپی از ناراضی ها را بعهده داشتم. چرا فامیل و خانه و زندگی عادی را ترک کردم ؟ این موضوع به همه کس معلوم است ولی حالا یعنی بعد از شنیدن سقوط حکومت امین و دار دسته اش و نشر بیانیه کارمل صاحب از رادیو که به او اعتماد داشتیم به وطن پرستی و مردم دوستی او ایمان داشتیم سلاح بر زمین گذاشتیم و خود را با سلاح دست داشته ما به نمایندگان دولت که خدمت صادقانه و پاک و بی الایشس آنان برای ما ثابت است در اختیار شان قرار دادیم و اظهار آمادگی نمودیم که از این به بعد با عزم متین و ایمان قوی در راه دفاع از انقلاب و مردم همکار و مددگار هستیم و از والی خواهش کردیم که زمینه را برای مسافرت ما به کابل فراهم نماید تا از نزدیک مراتب شکران و سپاسگزاری خود را به رئیس شورای انقلابی بخاطر اینکه مردم بیچاره را از دست امین ناامین جلاد نجات داد تقدیم کنیم به همین لحاظ آمدیم از گذشته‌ها گفتیم ودرد دل کردیم مشکلات خود را یکایک که از گذشته یعنی از زمان حکومت امین متوجه ما شده عرض کردیم که با پیشانی باز و با اظهار همدردی و انسان دوستی یکایک یاد داشت شد و یقین داریم که بزود ترین فرصت عملی هم می شود چنانچه تا امروز تمام گفتار و قول های که دولت داده است عملی شده است ویکبار دیگر از ته دل می گویم بعد ازین در جبهه دفاع از انقلاب و مردم خود هستیم .

سید طاهر شاه از علاقه داری شیبر باتایید گفتار دو هموطن دیگر علاوه کرد در روز های که امین جلاد بخاطر نابودی مردم حکومت میکرد او بجز خودش و چند نفر ـ خاین دوز و پیش و چند نفر ـ دیگر را نمی خواست که در این وطن زندگی کند نماینده او در ولایت بامیان باپیروی از نیت بدارش همه روزه مردم بیچاره را از سر زمین از خانه و از سر کار های شان به بهانه مختلف و حیل ابلیسی که خاصه حکومت کردن آن زمان بود جمع می کرد ، من خود شاهد بودم که در یک روز تقریباً شصت الی ـ هفتاد نفررا از جاهای مختلف قریه ما بنام مذاکره جمع کردند و فامیل های آن ها چون میدانستند که دیگر پدران و برادران آنها سلامت باز نمی گردند به کوه و بیابان آواره شدند و عدهٔ از اطفال وزنان از شدت سرما و از گرسنگی به هلاکت رسیدند حفیظ الله امین اگر از خاک ما می بود ابداً این کار ها را نمی کرد او واقعاً نماینده امریکا و انگلیس بود .

حاجی غوث الله باشنده قریه غریب آباد بامیان به ارتباط پروپاگند ونشرات تماما غرض آلود مطبوعات غربی در مورد زندگی مردم و نشر اخبار جعلی گفت :

در زمان امین خاین که کسی نمی توانست بر ملا مراسم مذهبی و دینی خود را بجا آورد و در شهر وبازار آزادانه گشت و گذار نماید وحتی بدیدن اقارب و دوستان خود برود تمام مطبوعات غربی مثلا امریکا ، انگلیس و نوکران آن سکوت اختیار کرده بودند چون امین به آن ها ارتباط داشت ولی حالا که مردم از آزادی های عام وتام برخوردار است ، باکمال آزادی واطمینان به مساجد ، تکیه خانه ها می روند و بدون تشویش بغم و شادی اقارب و دوستان خود میرسند یکبارگی به نشر اخبار غلط و جعلی می پردازند. حالا که با دیگر قوما از مرکز کابل هم دیدن کردیم وزندگی آرام مردم را با جمعیت بسیار زیاد که بصورت فوق العاده خوب مصروف زندگی وکار های روز مره هستند امید ما قوی تر بخاطر آبادی کشور ما شده است ، در کابل دیدیم که مردم سر شار ، خوش و خندان و بدون تشویش گشت و گذار می نمایند و صدای الله و اکبر و اذان محمدی در پنج وقت بگوش ها میٌ رسد ما بیانیه کارمل صاحب را چندین بار شنیده بودیم که به مردم گفتند از این ببعد با آزادی کامل و بدون تشویش با وحدت و یگانگی و به آزادی سعادت و اعتلای وطن خود ، صدای الله اکبر را بلند نمایید چنانچه در اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان آزادی و ادای مراسم دینی بصراحت گنجانیده شده است .

حاجی محمد نادر دهقان از قریه دکانی بامیان علاوه کرد :

مهم تر ازهمه برای مردم و حکومت این است که امنیت در کشور برقرار باشد و عملا هم دیدیم که امین جلاد چون خودش بفکر نارامی مردم بود و عقیده داشت که با کشتار بی رحمانه و به شهادت رساندن فرزندان پاک و آرزومند خدمت به وطن می‌تواند حکومت کند به سر نوشت اعمال خود رسید او اگر از یکطرف پلان شوم خود راعملی می کرد و تمام مردم افغانستان را نارام ساخته بود از جانب دیگر خودش قبر خود رابدست خود کند و خون پاک شهیدان بالاخره گریبا نگیرودامنگیرش شد و با قیام شش جدی مردم افغانستان نجات یافتند حالاکه نیت پاک و صادقانه دولت را بخاطر آسوده حالی مردم و تامین امنیت درک کرده ایم وعملا هم می بینیم بر مردم است که با حکومت خود متحداً بخاطر نابودی دشمنان همکار باشند ، واقعیت ها را درک کنند و مجال بیشتر ندهند که آرامش و سعادت مردم را دشمنان واقعی شان ناآرام سازند .

حاجی محمد نادر علاوه کرد ما محتاج رهبری درست بودیم ولی اکنون که تماماً نمایندگان دولت ودرولایات نیات پاک و صمیمانه دولت را تعقیب می کنند یقین داریم که از این به بعد درست رهبری می شویم وبه مقصد خود که آبادی کشور است می رسیم وعقیده داریم که رهبری درست می تواند اشتباه و سوتفاهم عده انگشت شمار افراد راکه تاهنوز متوجه سهو و خطای خود نشده اند مرفوع سازد .

و من به صفت یک هموطن که واقعاً هرگونه رنج و عذاب را از دست جلادان و آدمکشان حکومت امین دیده ام و حالا متوجه نیت نیک دولت امروزی شده ام خواهش میکنم اگر کسی باشد که تاهنوزشک وتردیدی داشته باشد به خانه و فامیل خود باز گردد و در فضای پر از امن و صفای نیت که امروز موجود شده زندگی خود را پیش ببرد مارا کسی به زور وجبر وادار نساخت که بکابل بیایید ونیت دولت را درک کنید بلکه درک خود ما بود که او لا خود راآگاه ساختیم و باز اقدام کردیم تا از نزدیک با رئیس صاحب شورای انقلابی ببینیم و سلام ها و آمادگی مردم بامیان را بخاطر تامین امنیت و اظهار شکران مردم به زعامت حزب و دولت که آرزوی خدمت به مردم را دارند برسانیم. به تعقیب صحبت موصوف حاجی محمد رضا از قریه خشکک بامیان اظهار داشت ، همانگونه که وظیفه داشتیم تا از طرف هموطنان خود در ولایت بامیان آرزو ها و سلام‌های شان‌را بیاوریم وظیفه خودمی دانیم که تمام آرزو ها و نیات پاک و صادقانه دولت را به مردم خود باز گو نماییم و به آن ها می گوییم که دیگر دوره حکومت مردم آزار امین نیست که مجبور گردیم به کوه و بیابان اواره و سرگردان بگردیم وقت آن است که با اتحاد و یک پارچه گی بخاطر تحقق آرمانهای والای انسانی دولت که در سر لوحه کار آن قرار دارد کوشش نماییم . (ص . خبرنگار ح . ا . ث)

در زمینهٔ هنر و ادبیات

نویسنده

ازبرشت

ازنویسنده ای پرسیدند که چرادرکارهایش پیوسته فقط از فقروبینوائی می گوید وهمواره به بررسی وبیان تأثیر فقر و بینوائی بر روی آدمها می پردازد وچرا هرگزتصاویرامید بخش ترو دل انگیزتری از زندگانی انسان ترسیم نمی کند، ونویسنده در جواب این حکایت را نقل کرد:

به بالین مردی که مدتها احساس کسالت میکرد واکنون باتمام نشانه های یک بیماری سخت در بستر افتاده بود، پزشکی آوردند که درمدتی کوتاه توانست بیماروبستگان مضطربش راآرام کند وهمگی راازامید به شفای زودرس سرشار سازد. پزشک حتی نامی هم برای بیماری ذکرکرد و گفت که موردی کم وبیش ساده و گذراست. دستورات دقیقی همداد و داروهای مختلفی هم تجویز کرد ونیزهر روزچند بارزحمت راه رابخود هموارمیکرد وبه بالین بیمارمی آمد تاازحالش جویاشود. بدین ترتیب درآن خانه کم کم بصورت مهمانی درآمدکه قدم روی چشم کسان بیمار میگذاشت.

اماکسالت بیمار شدت یافت وهزودی آتش تب چنان جانش را سوزاند وتنش را تکیده کردکه دیگر یارای تکان دادن دستهایش راهم نداشت. ولی پزشک همچنان از آفتاب گرم ونیروبخش تابستان سخن می راند، از لطف سفرحکایت میکرد وازروزیکه بیمار شفایافته وازبستربرخاسته زندگانی شیرینی خواهد داشت.

روزی ازهمین روزها یکی ازدوستان دیرین خانواده که خود پزشکی بلند آوازه بود به شهرآنان آمد وتاچشمش به بیمارافتاد ازترس به لرزه درآمد زیرادانست که دوست بیمارش زنده نخواهد ماند. وی بیمار را مدتی دراز به دقت معاینه کرد و نگرانی ودلهره اش را ازکسان او پنهان نداشت، هرچندکه خود گفت هنوزنمیتواند علت اصلی بیماری رانام ببرد. دو روزبعد که بیمار سرانجام چشم ازجهان فروبست، مادرنومیدش روبه دوست قدیمی کرد وپرسید: ((آیا واقعاً امیدی به نجات فرزندم نبود؟ من شنیده بودم این بیماری که پزشک نامش رابرد خیلی به ندرت به هلاك بیماری می انجامد.))

دوست خانواده لحظه ای به فکرفرو رفت وآنگاه به سخن درآمد: ((نه، واقعاً امیدی به نجاتش نبود)). امادم در خانه به برادر بیمار که جوان ترین فرزند خانواده بود گفت: ((اگر برادر شمارابه دست یك جراح سپرده بودند، زنده می‌ماند این نظرشخص من است که به شمامیگویم. میدانید، ما درتان پیراست ودانستن حقیقت دیگر دردی ازاودوانمیکند. او اکنون بیش ازهرچیز نیازمند تسلی ودلگرمی است، اماشما جوان هستید وحقیقت به کارتان می آید.))

مردجوان پرسید: ((پس چراپزشکی که به بالینش آوردیم همان اول اورابدست یك جراح نسپرد؟ چرافقط ازبهبود و سلامتی برادرم دم می زد؟ وچرا بی فایده آنهمه پول برای خریداری داروهای گران قیمت بهدرداديم؟ وآنهمه دستورات دقیق برای چه بود؟))

پزشک درجواب گفت: ((دوست جوان من، داروی گران‌بها وتجویز دقیق همیشه نمیتواند چاره ساز باشد. آنچه ازیك پزشك باید انتظارداشت اینستکه علت بیماری رادرست تشخیص دهد. برای شفای بیمار اول باید مرض راتشخیص داد وبرای تشخیص صحیح بیماری دانش ژرف پزشکی به تنهایی کافی نیست. پزشك بایدکه به درمان بیماری علاقمند باشد. اینکه کسی پزشك باشد کافی نیست، باید کاری ازدستش ساخته باشد وبتواند کمك کند. آن پزشك قبل ازشناخت علت بیماری از بهبودی وشفا حرف می زد. امامن آنقدر ازمرض خواهم گفت، وتنها ازمرض، تا روزیکه به علت واقعی بیماری پی ببرم، وسیله درمان را پیداکنم وبتوانم آنرا به نحوی موثر در مبارزه با بیماری به کار بندم ونخستین نشانه های بهبودی پدیدار شود، آنوقت شاید من هم دهان بازکنم وازبهبود درمان حرف بزنم.))

نویسنده به اینجاکه رسید گفت: ((حکایت ازاین قرار بود یاچیزی شبیه آن.))

وآنگاه حرفش را برید.

پس ازسکوتی مؤدبانه وکوتاه، شگفت زده ازنویسنده پرسیدند:

((اماتوکه پزشك نیستی.))

واو در پاسخ گفت:

((نه، ولی نویسنده که هستم.))

خبر

باتأسف اطلاع گرفتیم که ابراهیم صفا شاعروارسته و مبارز کهنسال درگذشت.

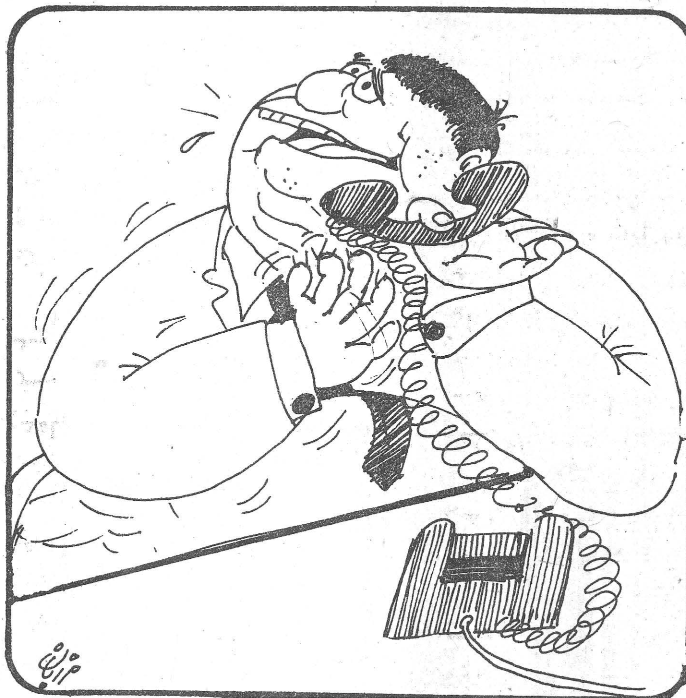
یادش جاوید وروانش شاد باد.

■ ■ ■ ■ ■ ■

بساعت سه ونیم بعد ازظهر دیروز بمناسبت قیام پیروزمند (٦) جدی نمایشگاهی از آثارصنوف اول تاچهارم دیپارتمنت هنرهای زیبای فاکولته ادبیات به ابتکار شورای فرهنگی پوهنتون وهمکاری اتحادیهٔ هنرمندان افغانستان در تالار فاکولته اقتصاد افتتاح گردید.

چرا تن رفعت بیگ میخارد

تازه ترین نوشتهٔ عزیزنسین. ترجمهٔ کلال



— بلی! بلی! توستی، رفعت بیگ؟ سلام، دوستم، کجاگم استی؟ چندین روز است که دیده نمیشوی!

— این تواستی کامل بیگ عزیز، آه، کامل بیگ...

— آخرمن وارخطاشدم که درضیافت حاکم ندیدمت. درشب نشینی های خودمان هم جایت خالیست. وبی تو بازی کردن رونقی ندارد. تو تندرست استی؟

— بهتراست که ازسلامت من نپرسی.

— چرا، چه شده؟

— مریض استم، مریض!

— وخ، وخ! خداوند صحت عاجل عطاکند، جانکم! تومراپریشان ساختی، چه مریضی داری؟

— پت کشیده ام.

— چی؟

— پت!

— پت؟

— تنم میخارد، فهمیدی؟ اف تحمل ناپذیراست!

— بلی؟، وخ، وخ! کدامجای بدنت؟

— جایی نیست که خارش نداشته باشد!

— الله! الله! واین مرض پت نامیده میشود؟

— هان، همینطوردکترها می گویند.

— ازچه به جانت امده، نمیدانی؟

— عقلم قد نمیدهد، شب کوفته فیل مرغ درخانه پخته بودند که به دهن میگذاشتی آب می شد. مزه دار بود که نپرس. سه دانه خوردم. چه فکر میکنی، ازسبب آن که نخواهد بود؟

— چه میگویی! اگرازسه کوفته فیل مرغ آدم مریض میشد حالاوقت من هم پت کشیده بودم. من فیل مرغ بسته را نوش جان میکنم! چرت هم نمیزنم!

— خارش نمیگیرد؟

— نی.

— مگرمن پیش ازکوفته فیل مرغ قورمه خورده بودم.

— قورمهٔ چه؟

— جگر

— قورمهٔ جگر؟ کجا دیده شده که قورمه جگر خارش بیاورد؟ شاید چیزدیگری هم خورده باشی!

— چیزی خورده ام، راستی، ببین چه میگویم، بیخی یادم رفته بود. برای اشتها اول سلاد بادرنگ خورده بودم که سیرزده بودند.

— نی جانم، سیرخواب آوراست. خارش آورنیست!

— کدام خواب؟ خارش مگرچشم پیشرکردن میگذارد؟ خداچنین مصیبتی رانصیب کس نکند واماحلواهم خورده‌ام!

— لذیذ بود، نه که؟

— لذیذکه بود مگر تمام بدنم سوزنك میزند.

— جانم، به حلوا چه؟ حلوارابیجاملامت مکن! دیشب من دوبشقاب راخالی کردم وهیچ نشد! علت چیز دیگری است...

— خوب؟... خیر، چه دیگر، درنان شب ماهی بامیانیزهم بود.

— ماهی بامیانیزچه ضرری میتواند داشته باشد؟ ازتجربه میدانم که یك ذره هم زیانمند نیست.

— امامن دوتارایکجا خوردم.

— بیست ودوتاهم که باشد بامیانیزضرری ندارد. من این خوراکی راعاشقش استم.

— صبرکن صحتمند شوم. دعوتت میکنم... باهم میخوریم به سلامت! زود ترصحت یاب شو! پس حدس زده نمیتوانی که ازچه این بلابرسرت آمده؟

— گوش کن! شاید از اثرکلچه گگ های شیرین قیماق دار باشد؟

— ساختی مثلیکه، این هم دیگرازخوراکی های محبوب من است.

— اما من چهارتایش را خوردم که قیماق طبیعی گاومیشی داشت...

— آیا ازقیماق ممکن است خارش پیدا شود؟

— خیر ازچه ممکن است دیگر؟

— کدام چیزدیگرهم شاید خورده باشی!

— هیچ چیززیان آوری نخورده ام... فقط چند تا کیله و چند تاچارمغز...

— بسیارخوردی؟

— نه آنقدرزیاد!

— چارمغزمغذی است. ضررناك نیست... مریض نمی سازد.

— پس چیست؟ چه علت است آخر؟

— شاید داکترهاغلط کرده باشند. تواصلاً پت نکشیده ای!

— شاید غلط کرده باشند، مگرخارش تنم که هست.

— هرخارش که پت نیست

— خیر، مراچه شده است؟

— کدام چیزدیگر شاید باشد!

اوه، دیگرهم یادم آمد... پیش ازخواب چند تا بادام وپستهٔ شورهم کپه کردم. ازآن لعنتی‌ها که نخواهد بود؟

— گفتم من هم. من هم آخر خوشی دارم پیش ازخواب پسته وبادام بجوم.

— بدنت راخارش نمیگیرد؟

— نی نی نی بابا! خسته باب قوت را زیاد میکند!

— مراکه ازشیر تسمم نخواهد گرفته باشد؟ پیش ازخواب هر شب یك گیلاس شیرمینوشم وآن شب دوگیلاس نوشیدم.

— رفعت بیگ، شیر تندرستی است. هرچه بنوشی خارش پیدا نمی‌شود.

— من عادت دارم که هر صبح دوتاتخم تازه را در شیر مخلوط کرده بنوشم شاید ازآن پیدا شده باشد!

— اگر ازآن باشد پس ازسی سال به اینسو باید بدن من میخارید.

— من، راستی همان شب که فردایش مریض شدم، خاویار بامسکه وپنیر سویس نی هم خورده بودم... نمیدانم چه مقدار، اما زیاد بود، زیاد. شاید ازآن باشد؟

— هرقدر خورده باشی از خاویار مرض پیدا نمی شود.

— شاید نشود. پس این پت ازکجاشده؟

خوبترك فکرکن. به یاد بیاور، دیگرچه نوش جان کردی؟

— دیگر، دیگر!! به یادم نمی آیدکه دیشب دیگر چه خوردم آخر در بارهٔ آنچه درددوام هفته خورده ام که حرفی نباید باشد. شاید ازسبزی‌ها باشدکه با برهٔ بریان توزیع کردند.

— کدام ها؟

— بادنجان مثلاً که با روغن زیتون پخته بودند. من جلوم را گرفته نتوانستم شش هفت دانه اش راخوردم.

— با روغن زیتون؟

— بلی...

— پس پروا ندارد. این غذای سبکی است. دیگر چه؟

— پسان مکرونی باپنیر... گوش کن شاید گناه سرکه باشد؟

— چه میگویی؟ سرکه نوشیدی؟

— نی سلاد سرکه داشت.

— سرکه تنهاهضم غذا را آسان می سازد.

— درسلاد مرچ تند هم انداخته بودند. مگرمن بالایش آب معدنی نوشیدم...

— خوب، دیگرچه صرف کردی؟ به خاطربیاور!

— دیگرچه صرف کردم؟ چه صرف کردم؟ دیگرهیچ چیزی ننوشیدم. فقط یك گیلاس وسکی با سودا! دل؛ جوشی شروع شد. یك قاشق سودا خوردم ودررستوران با یکی ازدوستانم دوخوراك کباب خوردیم وسه کلچهٔ کوفته دار... کباب یا برنج و دلده... چتنی برای خود زیاد انداختم. گوشت راباچتنی خوش دارم... میبودی حالم را میدیدی... بایك دست گوشی تلفون راگرفته ام وبا دست دیگر میخارم مانند قشو اسپ. راستی سنبوسه هم خورده ام... شاید ازآن باشد! و سلادماهی با تخم، مگر ازآن چیزهاکه انسان مریض نمیشود!

— نی... هرگز...

— وشوربای دال نخود چطور؟ با همه لوازمش خانم گفت گرمی است. خوب نیست گفتم بپز! چه خوشمزه پخت!

— زیاد خوردی؟

— نی نی نی بابا! یك سه کاسه گك!

— خوب، داکترچه میگوید؟

— من به او، مثل تو... همه راقصه کردم و او: ((این ازخوراکی نیست، شماچیز مضری نخورده اید...)) چه میگویی؟ شاید ازنمکی‌ها باشد!

— کدام نمکی ها؟

— هرقسم... وشاید از بادام شیرین؟

— اگر ازبادام شیرین کسی مریض می‌شد، حالا از مدتها شیرینی فروشی‌هارا بسته بودند...

— پس این پت ازچه درجان من پیدا شده است؟

— بازخوبترك فکرکن! دراین روزهای آخردیگرچه خورده ای؟

— آنطورچیزی که مریض کند نخورده ام. مخصوصاً که اشتهاهم چندان ندارم، خودت میدانی. اگریك بار درصد سال چیزی اضافی بخورم به زودی ماست سرش میخورم که هضم شود.

— جانم، آخردرهمین روزها نان خشك خورده ای؟

— نان خشك؟

— بلی، ... نان خشك.

— چه گونه نان خشك؟

— نان معمولی که درتنور می پزند.

— نان خشك غذای ثقیلی است. مراچاق می سازد. من معمولاً توته یی نان توست میخورم. تنها توته یی... یاپاره یی کلچه فرانسوی... اما نان خشك مثلیکه خورده ام. راستی مهمان داشتم. کلچه تمام شده بود، نان توست دردکان پیدانشد. ناچار نیم توته گك نان خشك معمولی خوردم.

— اینك واضح شدکه چراتنت میخارد. نان عادی برای همه کس نیست. باید بدان عادت داشت. توبه داکتر گفتی که نان خشك خورده ای؟

— نه، فراموش کردم... چه خوب شدکه توبه یادم آوردی... اکنون می دانم که چرا پت کشیده ام. نزدیك است پوستم را ازسرم بکشم. ایکاش مرا میدیدی!

— فضل خداوند که توته گك خورده ای. اگریك توته کامل میخورد یلگد میزدی وشیهه می کشیدی مانند اسپ! خود را تداوی کن! صحت یاب شو! تندرستی ات را آرزومندم!

— تشکر عزیزم.

— من بازبه توتلفون خواهم کرد. خدا حافظ!

— خدانگاهت کند عزیزکم!

پرندگان مهاجر

پرندگان مهاجر به خانه برگردید
برآب و دانهٔ خود عاشقانه برگردید
نماند آنکه بهر شاخسار آتش زد
نماند آنکه بکام کبوتران سفید
شکار چارهٔ خورشید را برپا کرد
نماند آنکه زهر باغ
گلی هر گلی سرخ
و مرغکان نواگر
و هر گیاه خموش
حظیره ها و قفس ها و تنگگاه آراست
نماند آنکه زهر رهگذر و زهر شهر
ز تیغ کینه و شیون ازین زمین برخاست
چه خانه‌ها که تهی ماند از صدا و سرود
و آئینه ها
ز عکس روی عزیزان و دوستان خالیست
و نام تان هر جا
به سینه‌های سپید چنارها باقیست
پرندگان مهاجر به خانه باز آیید!
و آشیانه‌ها را
به پیشواز بهار بزرگ عطرافشان
ز برگ سبز و ز رقص و ترانه آرایید!

«داکتر اسدالله حبیب»

اگر هنر و حقیقت نمیتوانند باهم زندگی کنند بگذار هنر بمیرد

«رومن رولان»